

بررسی

مواجهه مظفرالدین‌شاه با فرنگ

● کتاب «سفرنامه مبارکه شاهشاهی» روزنامه نخستین سفر مظفرالدین‌شاه به فرنگ است. موضوع این کتاب سفری است که شاه ایران به اروپا داشته است. سفر او از دوازدهمین روز ذی‌الحجه ۱۳۱۷ هجری آغاز شد و پس از گذشت نزدیک به هشت ماه، روز دوم شعبان ۱۳۱۸ به پایان رسید. او در آغاز این سفر بر اساس گاهشمار هجری ۴۸ سال داشت. این کتاب را به تازگی نشر کلاغ به اهتمام آیدین فرنکی و عباسقلی صادقی منتشر کرده است. نسخه مورد استفاده از این کتاب چاپ بمبئی به سال ۱۳۲۱ هجری (۱۹۰۲ میلادی) است، دوسال بعد از سفر مظفرالدین شاه به فرنگ. کتاب حاضر گزارشی است از اروپا و مسیر سفر مظفرالدین‌شاه قاجار.

مظفرالدین‌شاه ایران در کنار همسرش

فرنگی در گفت‌وگو با خبرنگاری کتاب ایران درباره اینکه آیا شخص شاه سفرنامه را نوشته یا کاتب دیگری، توضیح می‌دهد: «وزیر همایون آمد و فرمودیم روزنامه را نوشت. این عبارت بارها در سفرنامه آمده است. درواقع این‌طور بوده که شاه می‌گفته و وزیر همایون که وزیر پست هم بوده می‌نوشت. شب‌هایی هم که وزیر همایون جای دیگری بوده شاه به یکی دیگر از همراهانش می‌گفته که روزنامه را بنویسد. مثلاً در جاهایی آمده «ارسلان‌خان را گفتم آمد روزنامه را نوشت». در بعضی از موارد هم شاه از ضمیر من استفاده می‌کند. این نشان می‌دهد که جمله دقیقاً جمله شاه است. استثنائاتی هم هست که شاه از ضمیر جمع برای خودش استفاده نکرده و ضمیر مفرد را به کار برده است. این نشان می‌دهد شاه هرچه می‌گفته کتاب می‌نوشت. به هراس شاه از اولین‌باری که وارد تونل می‌شود در این سفرنامه آمده است. اگر کاتب دیگری بود، بدون حضور شاه، شاید به خودش اجازه ثبت چنین مواردی را نمی‌داد و مجبور به پنهان‌کاری بود تا ترس شاه را ننویسد. اما این نشان‌دهنده این است که کاتب، بیان شاه را نوشته است.»

در ادامه این گفت‌وگو درباره مواجهه مظفرالدین‌شاه با فرنگ آمده: «مظفرالدین‌شاه تا قبل از پادشاهی از تبریز بیرون نرفته بود و اولین پادشاهی که به سفر می‌رود، ناصرالدین‌شاه است. شاید قبل از این کشورگشایی هم بوده اما ناصرالدین‌شاه اولین کسی است که برای سفر به خارج از مرزهای کشور می‌رود. مظفرالدین‌شاه تا قبل از پادشاهی، در تبریز ولیعهدنشین مستقر بوده و اجازه سفر نداشته است. نهایتاً از تبریز به تهران رفته بود و تمام ارجاعات او به شهرهای شمالی کشور است. آذربایجان، تبریز و… هیچ اشاره‌ای به جنوب ایران ندارد. به‌همین دلیل در سفر به اروپا قطعاً شاه ایران شگفت‌زده شده بود. مثلاً وقتی چراغ برق را می‌بیند شگفت‌زده می‌شود. چراکه در آن زمان در ایران نه برق بوده و نه تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی که از اوضاع کشورهای دیگر باخبر شود. مظفرالدین‌شاه برای اولین‌بار از روسیه و با قطار وارد اروپا می‌شود. وقتی قطار وارد تونل می‌شود، فریاد می‌زند «کبریت بیاورید» چون نمی‌داند چه شد که یک‌دفعه روز روشن به شب تاریک تبدیل شد. اگر بخشی از این سفر، جنبه تفریحی و درمانی داشته باشد، بخشی هم به این خاطر است که شاه به سفر می‌رود تا ببیند چه خبر است. شاه مقایسه مستقیمی بین اروپا و ایران انجام نمی‌دهد. اما در سفرنامه‌اش شهرهای مختلف اروپا را مدام با هم مقایسه می‌کند. مثلاً اشاره می‌کند که روسیه بسیار آبادان بود. یا در مورد اروپا می‌گوید انضباطش به چشم می‌آید و رفته‌رفته آبادتر می‌شود. یا در مورد پاریس می‌گوید، آبادتر از این جایی پیدا نمی‌شود. نظم و انضباط نیروهای نظامی که در طول مسیر برای مظفرالدین‌شاه مانور می‌دهند یا عملیات نظامی انجام می‌دهند نیز توجهش را جلب می‌کند. اما هرگز به‌طور مستقیم هیچ اشاره‌ای به مقایسه ایران با اروپا نشده است.

در جایی از سفرنامه‌اش آورده است: «شخصی که آن عمارت عالیه و آثار عظیمه و اعمال بزرگ اروپا را ملاحظه می‌کند وقتی به اینجا رسیده و این وضع‌ها را می‌بیند تفاوت درجات ترقی و تنزل و اختلاف مراتب تمدن را سیر کرده از کسب امور آگاه می‌شود و مایه بسیی تعجب است که این انسان همان نوع انسان است که در آن نقاط زمین به آن مقامات عالیه و درجات ترقی و عظمت رسیده و در این نقاط زمین با قرب جوار هنوز در درجه طفولیت مانده و تازه می‌خواهد جانی بگیرد.» این سخن را در راه برگشت از بلگراد به صوفیه می‌نویسد.

درواقع در ذهنش این مقایسه را انجام داده و حتما به تفاوت کشور خودش با آن کشورها واقف است. شاید به همین جهت وقتی به ایران می‌آید، نظر مثبتی به ایجاد کارخانه برق دارد و دستور ساخت این کارخانه را صادر می‌کند.»

	
سفرنامه مبارکه شاهنشاهی	
به اهتمام آیدین فرنکی، عباسقلی صادقی	
ناشر: کلاغ	
چاپ اول: ۱۳۹۶	
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان	

گروه اندیشه: تاریخ اجتماعی در

سال‌های اخیر عاملیت تاریخی را منحصر به فرادستان و نهادهای اجتماعی و سیاسی نمی‌داند و بیشتر در پی یافتن نقش مردم، گروه‌ها و جریان‌های حذف‌شده در تحولات جامعه است. برخلاف تاریخ‌نگاری از بالا که سلطه‌ای طولانی در تاریخ‌نگاری جهان داشته، تاریخ‌نگاری از پایین معطوف است به تاریخ حاشیه‌ها، گروه‌ها و طبقات پایین جامعه، تاریخ جنبش‌های اجتماعی این‌گروه‌ها، اقصا و طبقات و نقش‌شان در فرآیند تکوین جامعه، تاریخ فعالیت‌های اجتماعی – سیاسی مردم. این شکل از تاریخ‌نگاری با تمرکز بر زندگی مردم عادی، حیات روزمره‌شان، اعتراضات و مبارزات حذف‌شدگان

و گروه‌های فرودست جامعه، سیاست و مردم را در فرآیند دگرگون‌سازی ساختارها نشان می‌دهد. تاریخ‌نگاران ایرانی در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به این رویکرد داشته‌اند که از جمله می‌توان به کارهای احمد اشرف، پرواند آبراهامیان، خسرو شاکری، تورج اتابکی، نگین نبوی، ژانت آقاری، علی بنوعیزی، علی قیصری، محمد توکلی‌طرقی، هما ناطق، هوشنگ شهابی، فخرالدین عظیمی و دیگران اشاره کرد. افسانه نجم‌آبادی از دیگر تاریخ‌نگاران بنام این حوزه است که یکی از نخستین آثار مهم در حوزه تاریخ‌نگاری جنسیت را در ایران نوشته است: «زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش: نگرانی‌های جنسیتی در مدرنیته ایرانی.» به تازگی دو بخش از این کتاب با نظارت مولف به فارسی ترجمه و منتشر شده است. پیش از این نیز دو کتاب «حکایت دختران قوچان: ازپارفته‌های انقلاب مشروطیت» (انتشارات روشنکران و مطالعات زنان) و «نهضت نسوان شرق» (با همکاری غلامرضا سلامی، نشر شیرازه) به فارسی ترجمه و منتشر شده بود. نجم‌آبادی استاد تاریخ و مطالعات جنسیت دانشگاه هاروارد و رئیس کمیته برنامه مطالعات زنان و جنسیت این دانشگاه است و در کتاب حاضر نشان می‌هد چگونه جنسیت و تمایلات جنسی همپای مدرنیته در ایران دچار تغییر و تحول شده است.

کتاب پژوهشی است دقیق درباره امر جنسی که از طریق مواجهه ایران با غرب با قالب مفاهیمی چون ملت، جنسیت، وطن و علم صورت‌بندی جدیدی به خود گرفته است. مثلاً طبق روایت تحلیلی نجم‌آبادی «تا پیش از دهه اول قرن بیستم که زنان خواستند خواهان ملت در نظر گرفته شوند، معنای ملت عمدتاً با اخوت هم‌ردیف بود و وطن به زن،

	
از زنان نقاش در دوران قاجار چه می‌دانیم؟ تاریخ هنر در دوران قاجار را که مرور می‌کنیم نشان‌چندانی از زنان تصویرگر، قلمدان‌کار، تذهیب‌کار یا نقاش پیدا نمی‌کنیم، تنها چند نقل قول از میان خاطرات اعتمادالسلطنه' و همین‌طور خاطرات دوستعلی‌خان معیرالممالک' که به قلم خوب و توانمند تومان‌آغا دختر ناصرالدین‌شاه اشاره می‌کنند و چند اسم مانند جهان‌خانم، ماه‌خسار و شاه‌بیکم که اطلاعاتی از آنها در دست نیست، همین و دیگر هیچ؛ بنابراین برای پاسخ به این سؤال شاید باید مسیری دیگر پیمود و از میان تصویرسازی‌های به‌جامانده در آلبوم سلطنتی به‌دنبال ردی زنانه بگیریم یا طری‌که به زنی درباری منتسب است.	
از تصویرسازی‌ها و طراحی‌های منتسب به زنان، آنچه به دست ما رسیده بسیار متاخر و مربوط به دوران ناصرالدین شاه قاجار است. روشن است که اولین تصویرسازی‌های زنان از خود و جهان اطراف‌شان ساده، کودکانه یا موضوعاتی دم‌دستی و روزمره است. روزمرگی شاید آن چیزی باشد که زنان بیش از مردان صاحب آن هستند و در آن مأمن می‌گیرند. آنجاست که دآوری‌ها وقضوات‌هایشان در باب امری اجتماعی و اخلاقی شکل می‌گیرد، حوزه‌ای که در آن کش‌هایشان به عینیت درمی‌آید و به جریان می‌افتد. زن هنرمند قاجاری «واقعیت» را به‌مثابه امر دنیوی مادیت می‌بخشد، نه چون امری انتزاعی و ذهنی. او سوزهای خود را به زمین می‌کشد، بدنشان و امیال مرتبط با آن را می‌بیند و به رسمیت می‌شناسد، بدنی که نماینده اعمال آشکاری از قبیل امر جنسی، خوردن و نوشیدن، حاملگی و تولد و حتی قضای حاجت است. این سوزه تنی آشکار و واقعی دارد که با جهان اطراف خود درمی‌آمیزد تا آن را بخشی از خود سازد. برای تأیید این حرف نگاهی بیندازیم به طراحی یکی از زنان درباری که نمی‌دانیم کیست، اما طرح‌هایش در کتابخانه سلطنتی در کنار نقاشی‌های ناصرالدین‌شاه آلبوم شده است.	
او صحنه «زایمان لایلا خانم سوگلی ناصرالدین شاه در اندرون» را انتخاب کرده و به تصویر کشیده است؛ صحنه‌ای که از دید یک مرد صحنه‌ای بی‌اهمیت و حتی قبیح تلقی می‌شود که شاید لایق به تصویر کشیده‌شدن نباشد. یک طراحی ساده و ابتدایی با کمترین خطوط، یک اندرونی که حالا با این تصویرسازی دیگر بیرونی شده است، طرح سه طاقچه بر دیوار اتاق کشیده است که هرکدام اشیایی را در خود دارند؛ اشیایی که اتفاقاً همواره زنانه تلقی شده‌اند. نگاه کنیم به طاقچه سمت راست چه چیزی می‌بینیم؟ سه آینه که یکی‌شان بزرگ‌تر است و دو تای دیگر پایه دارند؛ از همان‌ها که دست‌به‌دست می‌شدند تا زیبایی یک زن درباری را به او نشان دهند. طاقچه وسط مملو از کلاب‌پاش‌ها و کوزه‌های کوچک است، این‌ها هم احتمالاً کلاب و عطر و عرقیات مختلف بودند که	

از زنان نقاش در دوران قاجار چه می‌دانیم؟ تاریخ هنر در دوران قاجار را که مرور می‌کنیم نشان‌چندانی از زنان تصویرگر، قلمدان‌کار، تذهیب‌کار یا نقاش پیدا نمی‌کنیم، تنها چند نقل قول از میان خاطرات اعتمادالسلطنه' و همین‌طور خاطرات دوستعلی‌خان معیرالممالک' که به قلم خوب و توانمند تومان‌آغا دختر ناصرالدین‌شاه اشاره می‌کنند و چند اسم مانند جهان‌خانم، ماه‌خسار و شاه‌بیکم که اطلاعاتی از آنها در دست نیست، همین و دیگر هیچ؛ بنابراین برای پاسخ به این سؤال شاید باید مسیری دیگر پیمود و از میان تصویرسازی‌های به‌جامانده در آلبوم سلطنتی به‌دنبال ردی زنانه بگیریم یا طری‌که به زنی درباری منتسب است.

از زنان نقاش در دوران قاجار چه می‌دانیم؟ تاریخ هنر در دوران قاجار را که مرور می‌کنیم نشان‌چندانی از زنان تصویرگر، قلمدان‌کار، تذهیب‌کار یا نقاش پیدا نمی‌کنیم، تنها چند نقل قول از میان خاطرات اعتمادالسلطنه' و همین‌طور خاطرات دوستعلی‌خان معیرالممالک' که به قلم خوب و توانمند تومان‌آغا دختر ناصرالدین‌شاه اشاره می‌کنند و چند اسم مانند جهان‌خانم، ماه‌خسار و شاه‌بیکم که اطلاعاتی از آنها در دست نیست، همین و دیگر هیچ؛ بنابراین برای پاسخ به این سؤال شاید باید مسیری دیگر پیمود و از میان تصویرسازی‌های به‌جامانده در آلبوم سلطنتی به‌دنبال ردی زنانه بگیریم یا طری‌که به زنی درباری منتسب است.

تاریخ

گزارشی از کتاب «زنان سیبیلوو مردان بی‌ریش» به بهانه انتشار ترجمه فارسی

مدرنیته ایرانی از منظر جنسیت



معشوق و مادر تعبیر و تفسیر می‌شد. مفهوم ناموس در ارتباط تنگاتنگ با مردانگی ملت و زنانگی وطن، قرار داشت. ناموس از پیشینه مذهبی‌اش (ناموس اسلام) جدا و به شکل مسأله‌ای ملی (ناموس ایران) مجدداً مفهوم‌سازی شد. همچون ملت که از اجتماعی دینی به اجتماعی ملی تغییر کرد. ناموس که دو ایده عصمت زن و یکپارچگی ملی را در خود مستتر داشت، در هر دو معنا تبدیل به چیزی همچون مایملک مرد شد که باید از آن محافظت می‌کرد؛ ناموس جنسی و ناموس ملی به شدت در یکدیگر تنیده شدند. نجم‌آبادی تاریخ «قرن طولانی نوزدهم» ایران را دورانی می‌داند که با تغییر مفهوم جنسیت عجین بوده است. درعین‌حال این تغییر را مبتنی‌بر دگرگونی تمایلات جنسی تعریف می‌کند. در نظر او تاریخ ایران انتها به قول خودش مردمدار است، بلکه بسیار دولت‌مدار است.

او نیز پیش از این‌ کتاب همچون تاریخ‌نگاران معاصر دوران مدرنیته در ایران، عمده‌ترین تفاوت فرهنگی ایران را با اروپا روابط اجتماعی میان زنان و مردان اروپایی و حضور زنان اروپایی در فضاهای عمومی تلقی می‌کرد، ولی در این کتاب به این نتیجه می‌رسد که خود این فرضیه، پیشاپیش برآمده از هنجارسازی دگرجنس‌خواهی و زنانه‌کردن زیبایی است. این نتیجه‌گیری تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر کتاب حاضر گذاشته است. او می‌گوید در فصل اول کتاب به این موضوع بپردازد. همچنین در این کتاب



زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش
افسانه نجم‌آبادی
ترجمه: آتنا کامل، ایمان واقفی
ناشر: تپسا
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶
قیمت: ۱۴۹۰۰ تومان

خوانش یک نقاشی زنانه

رد پای از زنان نقاش در تاریخ دوران قاجار

بهناز قاضی‌مردادی

سنتاً زنان از آن استفاده می‌کردند. طاقچه سمت چپ حاوی دو جعبه چوبی است که از شکلهای می‌توان حدس زد لاک‌ی‌اند، با همان نقش‌های زیبای گل و مرغ و اسلیمی‌ها و تذهیب‌های منحصربه‌فرد هنرمندان همان دوره؛ بعید است که جعبه‌ها کاربرد دیگری جز جعبه لوازم آرایش یا جعبه جواهرات داشته باشند. تا اینجا همه اشیای حاضر در تصویر به مفهوم «زیبایی» مرتبط‌اند. لایلا خانم زیر یک لحاف نقش‌دار دراز کشیده؛ بچ‌اش که از شک‌اش بیرون آمده بالای سر اوست، لایلا به بچه تازه‌به‌دنیاآمده‌اش نگاه می‌کند. پایین تخت یک کاسه و بشقاب بزرگ قرار گرفته، شاید آب جوش باشد. دو دختر ناصرالدین‌شاه در صحنه حضور دارند و از لباس‌شان به‌راحتی قابل تشخیص‌اند. حتی اگر اسم نوشته‌شده در بالای سرشان را نخوانیم، تومان‌آغا و توران‌آغا همان‌طوری‌که در دربار ناصری حوالی سال ۱۳۰۰ هجری قمری مد شده بود، دامنی کوتاه و پف‌دار به تن دارند، دامنی که از آورده‌ای زیبایی‌شناسانه ناصرالدین‌شاه‌پس از سفرهایش به اروپا بود. طبق منابع تاریخی می‌دانیم که اینجا یکی ۲۲ساله و دیگری ۲۱ساله است. همچنین دقت کنید به سرآستین‌های لباس هر دو و گل‌های ریز روی دامن تومان‌آغا که این دوزن را از بقیه زنان در تصویر تا حدی متمایز می‌کند، اما نه آن‌قدر که اهمیت موضوع این نقاشی را زیر سایه خود قرار دهد. توران‌آغا چیزی شبیه انقیه‌دان در دست دارد و انگشت اشاره‌اش را به سوی لایلا گرفته است، گویی همراه انقیه‌دان نصیحتی یا سفارشی به تصویر درآورده و این در تاریخ هنر چنان جهان‌شمول است که غرب و شرق نمی‌شناسد. حال اگر بخواهیم ساده‌تر به موضوع نگاه کنیم، همین کافی است که بگوییم طراح فقط قصد داشته از دید یک زن درباره تجربه منحصربه‌فرد آراستگی و زایمان صحبت کند. دوبر‌وار در جایی می‌گوید: «هیچ چیز نمی‌تواند زیاتر از تمثال کوچک یک زن در درد زایمان باشد» و طراح این سخت‌ترین، واقعی‌ترین، دردناک‌ترین و ساده‌ترین سکانس زندگی یک زن را به موزرتین و مینی‌مال‌ترین شکل موجود به تصویر کشیده است.



حاشیه و پیوست نباشد».

دقت نظری و تاریخی نجم‌آبادی این کتاب را به یکی از متون جریان‌ساز در حوزه تاریخ مدرن ایران، علوم سیاسی و مطالعات جنسیتی تبدیل کرده است. کتاب تحلیل و روایت نظام‌مندی از مفهوم گرایش جنسی و ظهور آن در مدرنیته ایرانی در عصر مشروطه و پهلوی ارائه می‌کند. نوآوری بحث نجم‌آبادی در تاریخ اجتماعی ایران بسیار مهم است: او مدرنیته ایرانی را مقوله‌ای صرفاً محدود به سیاست و اقتصاد نمی‌داند و معتقد است به نحو چشم‌گیری بر مبنای مسائل مربوط به حوزه جنسیت شکل گرفته است. او در ظهور پدیده گرایش جنسی در دوره مشروطه می‌گوید و

نشان می‌دهد «هنجارسازی از دگرجنس‌خواهی در رابطه جنسی و اروس بدل به شرط «تحقق مدرنیته» شد – طرحی که مستلزم دگرجنس‌خواهانه‌کردن روابط اجتماعی در فضاهای عمومی و بازصورت‌بندی خانواده بود». او این فرآیند را مقارن می‌داند با تلاش جامعه ایران برای مدرن‌شدن. ازاین‌رو، بسیاری بر این باورند این کتاب تصویر غالب از دوران قاجار را بر هم زده و ادبیات مرتبط با این موضوع را به جلو برده است. روایت نجم‌آبادی از قرن نوزدهم، به ادعای خودش، بیش از آنکه روایتی علی‌باشد از امکان‌ها سخن می‌گوید. در نظر او عاملیت و علیت را می‌توان از زوایای مختلفی مورد توجه قرار داد. او تأکید دارد اگرچه قدرت متوازن نبود ولی این بدان معنا نیست که عاملیت فرهنگی یک‌طرفه بوده است. اینکه ما صرفاً غرب را دارای عاملیت می‌دانیم و تأثیر شرق بر غرب را هیچ‌گاه به معنای نفی عاملیت غرب در نظر نمی‌گیریم، براساخته نگاهی استعماری است که اندیشه ما را تا به امروز متأثر کرده است. نجم‌آبادی در پایان مقدمه کتاب حاضر توصیفی از این کتاب ارائه می‌دهد که خود گویای هدف آن است: «این کتاب در ابتدا پروژه‌ای در باب تاریخ‌نگاری جنسیت‌محور در ایران مدرن نبود. هدف نشان‌دادن این نکته بود که جنسیت در مدرنیته ایرانی نقشی کلیدی داشته و صرفاً نه‌مانده‌ای از سنت نیست. باین‌حال این کتاب سر از جای دیگری درآورد: تمایلات جنسی. اگر این کتاب ما را نسبت به همراهی فمینیسم در ضعف و نقصان‌های مدرنیته ایرانی آگاه کند و قدمی در راه پیشبرد مطالعات مدرن جنسیت و سکسوالیته در ایران بردارد، دستاوردی بیش از انتظار من خواهد داشت.»

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

زانیه و زانیه‌ها در دوران قاجار

بررسی

تفاوت‌های جنسیتی اکتسابی‌اند

● برخلاف تصور عمومی، تمایز مهمی وجود دارد میان «جنس» و «جنسیت»: اصطلاح «جنس» ناظر است بر تفاوت‌های بیولوژیک میان مرد و زن، درحالی‌که جنسیت بر دسته‌ای از ویژگی‌های شخصی و روانی دلالت دارد که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد بودن یا زن بودن و به عبارتی با مردانگی و زنانگی همراه است. اگر مبنای جنسیت را کاملاً بیولوژیک ندانیم، آنگاه لازم است به عوامل اجتماعی یا محیطی نیز بپردازیم که در کنش متقابل با عوامل بیولوژیک به رشد هویت جنسیتی و نقش جنسیتی منجر می‌شوند. بی‌تردید جنس و جنسیت پیوندهای آشکاری با یکدیگر دارند. ماهیت دقیق این پیوند موضوع بحث‌های فراوانی میان جامعه‌شناسان و دیگران شده است، ازجمله در کتاب «جامعه‌شناسی جنسیت» اثر استفانی گرت که مدخلی عمومی و مقدماتی است درباره جنسیت و عوامل اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری و تغییر و تحول آن. این کتاب به همت نشر نی به فارسی ترجمه و منتشر شده است. نویسنده مقوله جنسیت را در عرصه‌های گوناگون و از زوایای متفاوت بررسی می‌کند: از تمایلات جنسی گرفته تا میزان مشارکت سیاسی و الگوهای جرم و «کژروی»، در هر یک از این عرصه‌ها بررسی‌های مختلفی از فرهنگ‌های گوناگون ارائه می‌شود که به شناخت بهتر مباحث کتاب کمک می‌کند. نویسنده در سراسر کتاب می‌گوید نشان دهد جامعه‌شناسان در توضیح الگوهای متفاوت رفتاری، که مبتنی است بر نقش جنسیتی، اختلاف‌نظر دارند از جامعه‌شناسان فمینیست تا مابقی جامعه‌شناسان. در نظر نویسنده بررسی انتقادی مقوله جنسیت نه امری یک‌بار برای همیشه بلکه فرایندی است پیوسته در حال شدن و یازمانند بازیابی مکرر. ازاین‌رو، هدف کتاب را نه ارائه پاسخ‌های قطعی، روشن و همیشگی بلکه تلاش برای آشنایی خواننده با ابزارهای تحلیلی می‌داند که به کار شناخت جنبه‌های مختلف مفهوم جنسیت می‌آید. گرت در این کتاب می‌گوید از یک‌سو عقل سلیم و ارزش‌های اخلاقی مسلطی را به چالش بکشد که درباره مردانگی و زنانگی است و از سوی دیگر با بررسی ارتباط تنگاتنگ زندگی روزمره و ساختارهای اجتماعی و مناسبات قدرت، به عوامل بنیادی‌تر و کلل‌بردیایی بپردازد که در بازتولید و نیز تغییر و تحول انگاره‌های رایج درباره زنانگی و مردانگی نقش موثری دارند.

کتاب در هفت فصل تنظیم شده است و نویسنده در پایان هر فصل در بخشی کوتاه با عنوان «فعاصل عملی» می‌گوید تحلیل نظری خود را در عرصه عمل نیز پیش ببرد. در جامعه‌شناسی از تفاوت‌های جنسی بیولوژیک برای توضیح و مشروعیت‌بخشیدن به تقسیم جنسی کار در خانواده و جامعه استفاده می‌شود. نویسنده در فصل اول با عنوان «بیولوژی و جنسیت» نخست به بحثی پیرامون دامنه تفاوت‌های جنسی بیولوژیک در زن و مرد و ماهیت تمایلات جنسی می‌پردازد. سپس در فصلی درباره جامعه‌پذیری، راه‌های کسب تفاوت‌های جنسیتی را بررسی می‌کند. گرت در فصل دوم نشان می‌دهد میان دانشمندان اجتماعی اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد درباره ماهیت ویژگی جامعه‌پذیری و فرایند یادگیری و همچنین در مورد اهمیت عوامل معین در این فرآیند. این موضوع در فصول سوم و چهارم، با عنوان خانواده و آموزش و پرورش، نیز دنبال می‌شود. کتاب حاضر تأکید دارد تفاوت‌های جنسیتی عمدتاً اکتسابی‌اند نه ارثی. نویسنده ادعای بی‌طرفی علمی نظریه‌پردازانی را که نابرابری‌های جنسیتی را به نام بیولوژی توجیه و تأیید می‌کند، رد می‌کند و نشان می‌دهد چگونه پیش‌فرض‌های خودآگاه و ناخودآگاه پژوهشگران در این عرصه در شکل‌دادن به مفاهیم و مسائل مورد بحث، تعیین افق و دامنه بررسی و درواقع در تولید موضوع مورد پژوهش نقش مهمی بازی می‌کند. ازاین‌رو، می‌توان گفت نقد جبرگرایی بیولوژیک رشته‌ای است که فصول مختلف کتاب را به هم گره می‌زند، اما به‌رغم جانبداری آشکار، نویسنده از دیدگاه‌های فمینیستی، نقطه عزیمت تحلیل او نه آرمان‌های اخلاقی برابری‌طلبانه و ایده‌آل‌های مطلق درباره برابری زن و مرد بلکه نقد جامعه‌شناختی زندگی روزمره و ساختارهای قدرت است. ازاین‌رو، در فصول بعدی به اهمیت جنسیت در قلمرو کار، سیاست، کژروی اجتماعی و جرم می‌پردازد. درمجموع، نویسنده نشان می‌دهد چگونه «زنانگی» و «مردانگی» نه ویژگی‌های ذاتی، مطلق و فراسوی زمان و مکان، بلکه مقولاتی اجتماعی و فرهنگی، ساخته و پرداخته شرایط تاریخی معین و گاه حتی دستخوش نیازهای سیاسی و اقتصادی زودگذرند. ازاین‌رو، نتیجه می‌گیرد نگرش انتقادی به مقوله جنسیت نه تحلیلی از «ذات»، این پدیده بلکه بررسی و تحلیلی است مشخص و تاریخی در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگ و سیاست.

	
جامعه‌شناسی جنسیت	
استفانی گرت	
ترجمه: کاتلین بقایی	
ناشر: نی	
چاپ اول: ۱۳۹۶	
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان	